

علی شهباز - شهبازی (کوتینگر)

ترجمه دکتر ابوالحسن گونیلی

زادروز فردوسی⁺

* (سوم دی ماه ۳۰۸ یزدگردی، برابر با سوم ژانویه سال ۹۴۰ میلادی)

روایت معتبری که زادروز فردوسی را ثبت کرده باشد بدست ما نرسیده است، زیرا براساس رسم مسلمانان تنها تاریخ فوت را بر روی سنگ قبر می‌نویسند. پژوهشگران نخستین هم که زندگی فردوسی را مورد تحقیق قرار داده‌اند حتی از این کتیبه معتبر نیز محروم بوده‌اند.

خوشبختانه خود شاهنامه^۱ کلیدهای درباره تولد شاعر بدست می‌دهد و این مراجع در نهایت دقت توسط J. Mohl^۲ و Th. Nöideke^۳ بررسی و تجزیه و تحلیل شده است و تحقیقاتی هم که در این باره از سال ۱۹۰۵ باین سو صورت گرفته براساس بحث و نتایج حاصل از تحقیقات این دو محقق پیشرو بوده و چیز تازه‌تری تاکنون بر آن اضافه نگردیده است.

۱- نظر موهل درباره زادروز فردوسی

فردوسی در سخنان پایانی حماسی خود در مورد زندگی^۴ و نتیجه کار خود چنین گفته است:^۵

+ این مقاله در ZDMG سال ۱۹۸۴ چاپ شده و دوست عزیز آقای دکتر ابوالحسن گونیلی استاد بازنشسته دانشگاه تهران آن را به‌خواهش مدیر مجله ترجمه کرده‌اند.
* این مقاله خلاصه‌ای است از مقدمه‌ای بر فصل «فردوسی و شاهنامه‌اش» از کتاب این نویسنده تحت عنوان «مورخین ایرانی و کار آنها» که بزودی از چاپ خارج خواهند شد.
باسپاس فراوان از کمکهای ارزنده پروفیسور دکتر W. Hinz^۶ و تشکر از اولیاء بنیاد Alexander von Humbolt به‌سبب کمکهای مالی در سرپرستی این پژوهش.
۱- کلید مراجع کار: شاهنامه E. E. Bertels و همکاران اوست که در نه‌جلد درمسکو در سال (۱۹۶۵-۷۱) به‌چاپ رسیده است. جلدها دارای شماره رومی و صفحات دارای شماره عربی است و اشعار هم دارای شماره‌های ریز عربی و برای درستی در حفظ متون ادبی ترجمه‌ها وسیله نویسنده صورت گرفته است.

۲- Le Livre des Rois ترجمه و تفسیر از Mohl. ۱. در هفت جلد پاریس 1838-1878
3- Das Iranische Nationalepos. In: W. Geiger and Kuhn (ed): Grundriss der Iranischen Philologie. Strassburg (1896-A04) 11, 130-211, 131-52.

۴- شاهنامه جلد IX، صفحه ۳۸۱.

۵- اشعار با حروف لاتین.

چو سال اندر آمد به هفتاد و يك
 همی زیر سر اندر آمد فك
 سی و پنجسال از سرای سپنج
 همی رنج بردم به امید گنج
 چو بر باد دادند رنج مرا
 نبد حاصلی سی و پنج مرا
 کتون عمر نزدیک هشتاد شد
 امیدم به يك باره بر باد شد
 با در نظر گرفتن بیت اول، موهل چنین نتیجه می‌گیرد که در سال ۴۰۰ یا سال ۱۰۱۰ میلادی، فردوسی ۷۱ ساله بوده است و بنابراین باید در سال ۳۲۹ یا ۴۰۰-۹۳۹ میلادی بدنیا آمده باشد. اما بیت اخیر را که فردوسی در آن به هشتاد سالگی خود اشاره کرده است، موهل چنین تفسیر می‌کند که این يك اغراق شاعرانه است و شاعر آنرا برای وزن شعر «پنج هشتادبار» آورده است و آنرا بر این اساس تأیید می‌کند که:
 اولاً در سخنان پایانی یزدگرد اول کاملاً مشخص می‌سازد که ۶۶۳ ساله است. همچنین است در ستایش گرمی که از شاهنشاه ۷ (سلطان محمود غزنوی) بعمل آورده است. پس اگر فردوسی در سال ۳۲۰ (یعنی ۸۰-۴۰۰) بدنیا آمده باشد ۶۳ سالگی اش برابر میشود با سال ۳۸۳ یا سال ۱۰۰۲ میلادی، درحالی که سلطان محمود به سال ۳۸۷ یا ۸۱۰۰۶ میلادی بر تخت سلطنت جلوس کرده است.

ثانیاً اگر جنگهای کیخسرو و افراسیاب را بهم ارتباط دهیم، فردوسی می‌گوید:
 بدانگه که بد سال پنجاه و هشت ۱۰
 خروشی شنیدم ز خیلی بلند
 جوان بودم و آن جوانی گذشت
 که اندیشه شد پیر و من مستمند
 که ای نامداران گردن کشان
 که جست از فریدون فرخ نشان
 فریدون بیدار دل زنده شد
 زمین و زمان پیش او بنده شد
 به داد و به بخشش گرفت این جهان
 سرش برتر آمد ز شاهنشان
 واضح است که فردوسی این ابیات را برای بزرگداشت جلوس سلطان محمود بر سلطنت سروده و این خود ثابت می‌کند که در سال ۳۸۷ یا ۱۰۰۶ میلادی شاعر ۵۸ ساله بوده و در نتیجه در سال ۳۲۹ (۵۸۳-۳۸۷) بدنیا آمده است.

۴- نظر نولدکه درباره زاد روز فردوسی

نولدکه به دو دلیل نظر موهل را درباره زاد روز فردوسی نادرست می‌داند و چنین

۶- شاهنامه جلد VII ، صفحه ۲۶۳ (به شماره ۲۷ مراجعه شود).

۷- شاهنامه جلد VII صفحه ۲۶۳.

۸- مراجعه شود به: محمد ناظم: سلطان محمود، کمبریج، ۳۸ هـ ۱۹۳۱.

۹- جلد ۷ صفحه ۲۳۷ (چاپ مسکو: ابیات دوم و سوم را نوعی تحریف می‌پندارد و آنها را به بی‌نوشت انتقال می‌دهد).

۱۰- يك نسخه خطی (قاهره C40 بتاریخ ۱۳۹۴ م.) که موثق است «هفتاد و پنج» نوشته که پایه و اساس ندارد. اما قدیمی‌ترین نسخه خطی که چاپ مسکو آن راملاک قرار داده «پنجاه و هفت» نوشته که با حساب ما هیچ تفاوتی ندارد. زیرا «۵۷» سال تمام و پنجاه و هشتمین سال هر دو یکی است منتها با دو طریقه گشتن.

می گوید که:

اولاً: در سخنان پایانی شاهنامه مراجع متعددی درباره زندگی فردوسی آمده است که در یکی به هفتاد و یک سالگی و در جای دیگر به هشتاد سالگی او اشاره شده است. در حالی که در بیت ۱۱ زیر می گوید:

چو بگذشت سال از برم شصت و پنج فزون کردم اندیشه درد و رنج
و این اشارات، شصت و پنج سالگی و هشتاد سالگی را چنین تفسیر می کند که این اختلاف بعلت تفاوت در نسخه های شاهنامه است. چه، فردوسی با نزدیک شدن به هشتاد سالگی نسخه اصلی کارش را در ۲۵ سپندارمذ که میشود ۴۰۰ (= ۵×۸۰) یا هشتم مارس ۱۲۱۰۱۰ میلادی بنا تمام می رساند و بر این اساس تولدش کمی پس از ۳۲۰ (= ۴۰۰-۸۰) یا ۲-۹۳۱ میلادی خواهد بود.

ثانیاً بنابر نسخ قدیمی شاهنامه در موزه بریتانیا Or. 1403 و دیگر نسخ خطی سخنان پایانی دیگری درباره فردوسی آمده که ۱۲:

چو شد اسپری داستان بزرگ سخنهای آن خسروان سترگ
روز سیم شنیدی چاشنگه شده پنج ده پنج روزان ز ماه
که تازیش خواد مجرم بنام که از ارجمندیش ماه حرام
اگر سال نیز آرزو آمدست نهم سال و هشتاد با سیصدست

با ارتباط این دو اشاره نولدکه این گونه نتیجه می گیرد که دو نسخه مختلف از شاهنامه وجود داشته است: یکی به سال ۴۰۰ یا ۱۰۱۰ میلادی که کار نهائی بود و به محمود هدیه شده است و نسخه دیگر که قبل از آن تاریخ به پایان رسیده، یعنی در شصت و

۱۱- شاهنامه جلد IX صفحه ۳۸۱.

۱۲- این برابر است با هشتم مارس سال ۱۰۱۰، نه ۲۵ آوریل سال ۱۰۱۰ که Noldeke

حساب کرده.

۱۳- این سخنان پایانی دارای ۳۲ بیت است که وسیله خطاطی که کمترین اطلاع از شعر رومی داشته ساخته شده و داستانی را شرح می دهد که نسخه ای از شاهنامه را به بزرگی از اهل خان لنجان (تزدیک اصفهان) در سه شنبه ۲۵ محرم ۶۸۴ در مقابل پاداشی که برای تدریس پسر خزانهدار دریافت کرده است هدیه می کند و آنرا هم با حادتهای که بر سر مستسخ آمده به پایان می رساند باین شرح در زمانی که در خان لنجان زندگی می کرده تصادفاً به رودخانه زاینده رود فرومی افتد و شاگرد با گرفتن مری سرش او را از غرق شدن در رودخانه می رهاشد. و از این داستان بود که فصل مبسوطی در زندگی نامه فردوسی دوباره سازی شد و مدتها هم آنرا باور می کردند تا اینکه برای نخستین بار محمدعلی فروغی توجه یافت که هیچگونه تناسبی با سخنان پایانی فردوسی ندارد (رجوع شود به زیر شماره ۱۷) زیرا سبک آن سبکی است مبتذل و سست و هونوع آن هم یک مطاب غیر اخلاقی است بخصوص که تاریخ آن هم ۶۸۴ است نه ۳۸۴.

Scheffer تصادفاً این ۳۲ بیت را در چاپ «سفرنامه» نامر خسرو اضافه نموده (پاریس ۱۸۸۱، ۳۱۰) و تقی زاده هم آنها را در مقاله اش دوباره چاپ کرده است. (شماره ۱۵).

پنج سالگی فردوسی، و آنرا به یکی از بزرگان اهل خان لنجان (تردیک اصفهان) بنام احمد بن محمد بن ابی بکر در ۲۵ محرم سال ۳۸۹ هجری هدیه کرده است.

۳- پژوهش های بعدی

نظرات تولد که مورد قبول سید حسن تقی زاده قرار گرفت و تقی زاده آنرا برای ۱۵ ایرانیان چاپ نمود و در جشن هزاره فردوسی به سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴ میلادی) که همزمان در دیگر کشورها جشنهایی برگزار شد همدان سال ۳۳۴ را به عنوان سال تولد فردوسی بر روی سنگ مقبره اش در طوس ۱۶ حک نمودند.

یزودی دانسته شد نسخه ای از شاهنامه که بدبزرگی از اهل خان لنجان هدیه شده است کار فردوسی نبوده بلکه کار خطاطی بوده است که آنرا در سده ششم ۲۵ محرم ۶۸۹ (۱۲۸۸) به اتمام رسانده و به حسابدار هدیه کرده است. و آن متضمن اشتباهی شریب است که بجای تاریخ (۳۸۹) ۱۷ ۶۸۹ آمده.

ملک الشعرا ی بهار هم که راه موهل را دنبال کرده و تولد فردوسی را سال (۹۴۲) ۳۳۵-۳۱ دانسته است نتیجه کارش را پس از هزاره فردوسی و اتمام بنای مقبره فردوسی ۱۸ به چاپ رسانده. و بتدریج در ادبیات همان تاریخی را که موهل برای زاد روز فردوسی بدست آورده قابل قبول ترین آنها دانسته اند.

۴- تاریخ دقیق زاد روز فردوسی

در حقیقت تاریخی را که موهل بدست آورده تنها تاریخ قابل دفاع است. زیرا تاریخ جلوس محمود که ۳۸۷ است درست مقارن است با ۵۸ سالگی فردوسی که بسهولت می توان تاریخ دقیق تولد فردوسی را محاسبه نمود.

۱۵- کاوه: ۱۱۱۱۵ (سوم اکتبر ۱۹۲۱) صفحات: ۱۲-۹ و ۱۱ (۲ نوامبر ۱۹۲۱)، ۲-۲۲ (که مجدداً حبیب یغمائی، در فردوسی و شاهنامه - تهران ۱۳۴۷/۱۹۶۸، ۱۸۳ دوباره به چاپ رسانیده)
۱۶- برای شرح بیشتر درباره مقبره به مجله هنر و مردم شماره ۱۵۴/۱۵۳ (۱۹۷۵/۱۳۴۵) صفحات ۱۵۲-۶۶ رجوع شود.

۱۷- اولین کسی که این نکته را کشف کرد محمدعلی فروغی بود (در سخنرانی اش در سال ۱۳۱۲ یا اوائل ۱۹۳۴، که اکنون در مقالات فروغی توسط حبیب یغمائی در تهران ۱۳۵۱/۱۹۷۲ ص ۲۷، ص ۱۲۹ به چاپ رسیده و این نکته بعداً وسیله مجتبی مینوی در کتاب حاضر فردوسی و بطلان انتساب یوسف و زاریخای فردوسی در مجله روزگار نو شماره ۷۳ (۱۳۲۳/۱۹۴۴-۴۵) ۱۶-۳۶ بصورت متقاعدکننده ای بحث شده - همچنین رجوع شود به «حماسه سرائی در ایران» از دکتر ذبیح الله صفا، چاپ دوم تهران ۱۳۳۳/۱۹۵۴.

۱۸- فردوسی، در باختر، ۱ (اصفهان ۱۳۱۲-۱۳/۱۹۳۴). صفحه ۷۸۱.

۱۹- رجوع شود: صفا ۳-۱۷۲، M. N. Osmatov، ملاحظاتی چند راجع به شرح حال فردوسی، سخن ۲۴ (۱۳۴۲/۱۹۷۳). صفحه ۷۶۲.

آینده، سال دوازدهم

همچنین چون آخرین نشانه‌ها از سن فردوسی در شاهنامه هفتاد و شش و نزدیک هشتاد سالگی ۲۰ آمده است و سال وفاتش که ۴۱۱ یا ۲۱۴۱۶ می‌باشد تاریخ ولادت او را نمی‌توان قبل از ۳۲۹ تصور نمود.

اشاره دیگری که تا به حال به آن توجهی نشده و نظر موهل را تأیید می‌نماید این است که فردوسی در اوائل تاریخ ساسانیان سه بار اشاره به شصت و سه سالگی خود کرده است: اول در سخنان پایانی اشعارش درباره سلطنت بهرام دوم ۲۲.

می لعل پیش آور ای روزبه ۲۲ که شد سال گوینده بر شصت و سه
دوم: در سخنان پایانی داستان شاپور دوم که در حدود ۸۰۰ بیت بعد از شعر ۲۴ مذکور آمده است.

چو آدینه هرمزدی بهمن بود بر این کار فرخ ۲۵ نشیمن بود

می لعل پیش آور ای هاشمی ۲۶ ز خمی که هرگز نگیرد کمی

چو شصت و سه شد سال شد گوش کر ز بیسی چرا جویم آئین و فر

سوم: قبل از سلطنت یزدگرد اول ۲۷ (که موهل به آن اشاره کرده است).

ایا شصت و سه ساله مرد کهن تو از باده تا چند رانی سخن

پایانی این قطعات ثابت می‌کند که همه در یک سال سروده شده است و قطعه دوم

نشانه قابل ملاحظه‌ای را می‌رساند که: هرمزدی بهمن = اول بهمن که جشن و شادی

بزرگان است مصادف می‌شود با آدینه ۳۷۱ یزدگردی و چهاردهم ژانویه ۱۰۰۳ میلادی.

از آنجا که این سال مقارن است با شصت و سه سالگی فردوسی، می‌توان نتیجه

گرفت که شاعر در ۳۰۸ (= ۶۳۰ - ۳۲۱) یزدگردی تولد یافته و سال ۳۰۸ یزدگردی هم

برابر است با ۹۳۹/۴۰ میلادی یا همان تاریخی که موهل به آن اشاره می‌کند.

حال می‌توان گامی فراتر نهاد و روز تولد فردوسی را با تجزیه و تحلیل زیر

۲۰ - Noldeke برای مراجع.

۲۱ - دولتشاه سمرقندی: ۵۴ و (چاپ براون) «فوت فردوسی بسال ۴۱۱ (یسا ۱۰۲۱)، و

مقبره‌اش در طوس در کنار قبر عباسیه است. جعفر بن محمد بن حسن: تاریخ جعفری، در «فرهنگ

ایران زمین» ۶ (۱۳۳۷/۱۹۵۸) ۱۴۹، تاریخ وفات فردوسی را ۴۱۶ داده - دیگر شرح حال نویسان

۴۱۶ یا ۴۱۱ را بر حسب تصادف می‌نویسند.

۲۲ - شاهنامه VII، ۲۱۳.

۲۳ - ظاهراً غلام‌بچه‌ای که ساقی‌گری می‌کرده به نام هاشمی بوده است (رجوع شود به شماره

۲۴) همچنانکه سوزنی سمرقندی (قرن بازدهم) در شعر ذیل به وضوح نشان می‌دهد.

در باغ عمر سوزنی از صدر روزبه هفتاد شد تمام و خزان و دی و بهار

۲۴ - شاهنامه، جلد VII، ۲۵۶.

۲۵ - «Farrux» شکل دیگری از اصطلاح «خود را روز Xurra Ruz» یا «خرم»

(که همچنین نوروز نیز نامیده میشود) نام جشن بزرگ و شادی است که به مناسبت اولین روز دی

نام گذاری شده است (نود روز قبل از نوروز). رجوع شود به بیرونی: ۱۳۴۷/۱۹۶۸

۲۶ - شاید نام خانوادگی غلام‌بچه‌ای بوده که نام کوچکش روزبه بوده است.

۲۷ - شاهنامه VII ۲۶۳

تو از باده تا چند رانی سخن

ایا شصت و سه ساله مرد کهن

بدست آورد:

اولین قطعه از سه قطعه یاد شده که در آن سن شاعر شصت و سه آمده است اهمیت ویژه‌ای دربر دارد (گرچه تاریخی ندارد).

می لعل پیش آور ای روزبه که شد سال گوینده بر شصت و سه درست قبل از این اشاره که فردوسی به شصت و سه سالگی برسد بخود می گوید که از کار دست بکش و آسایش خود را با شراب جشن بگیر، و تاریخ این زمان را درست شب ۲۸ هرمزدی دی (یا اولین روز دهمین ماه ۲۹) قرار می دهد.

شب اورمزد آمد و ماه دی ز گفتن بیاسای و بردار می این بیان دقیقاً با ۷۷ بیت قبل از آن اشاراتی است که درباره تولد فردوسی آمده است. فردوسی بین اولین روز ماه دی تا اولین روز ماه بهمن در حدود ۲۰۸۱۵ بیت شعر سروده که می شود در حدود روزی ۲۷ بیت.

بنابراین بجا است بگوئیم تولد شاعر سه روز پس از شب اورمزدی دی بوده و شب اورمزدی دی هم در حقیقت همان سیام آذر است که در این سال بخصوص (۳۱۷ یزدگردی) مصادف می شود با سه شنبه پانزدهم دسامبر سال ۱۵۵۲ میلادی و ۳ روز بعد یعنی در سوم دی (یا هیجدهم دسامبر) فردوسی شصت و سه سالگی اش را جشن می گیرد. و این امری است کاملاً طبیعی که فردوسی زاد روزش را دقیقاً بیاد بیاورد. زیرا رسم ایرانیان بر آن است که نام و تاریخ تولد فرزندان شان را در اولین یا آخرین صفحه کتاب مهم خانوادگی: (که قرآن، شاهنامه، حافظ و غیره است) دقیقاً ثبت نمایند. یعنی مقابل هر نام روز و تاریخ تولد را یادداشت می کنند و این عمل همیشه بهترین سند سن و سال افراد خانواده است.

به یقین پدر فردوسی هم که مردی متمکن و صاحب موقعیت اجتماعی بوده چنین کاری را برای شاعر ما نموده است.

این را هم باید افزود که فردوسی ماه و روز یزدگردی را بکار می برده و در آن تقویم هر سال ۱۲ ماه و هر ماه سی روز به حساب می آمده، به اضافه ۵ روز اضافی در آخر چند ماه، یعنی هر سال شش ساعت کمتر از سال خورشیدی است.

بعبارت دیگر آنچه را که فردوسی ۶۲ سال کامل حساب کرده است (با احتساب هر سال ۳۶۵ روز) در حقیقت ۱۶ روز کمتر از ۶۲ سال خورشیدی است. یعنی ما تولد فردوسی را باید سوم دی ماه سال ۳۵۸ یزدگردی (= ۶۳-۳۷۱) که برابر می شود با جمعه سوم ژانویه (= ۱۶+۱۸ دسامبر) سال ۹۴۵ به حساب آوریم.

۲۸- شب يك روزی، از نظر ما ایرانیها یعنی شب روز بعد، همانطور که آلمانیها می گویند Sonnabend یعنی شنبه.

۲۹- شاهنامه VII، ۲۵۶

شب اورمزد آمد و ماه دی ز گفتن بیاسای و بردار می

۳۰- همان VII ۲۵۶-۲۵۷.